

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۳/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۵/۱۵

فصل نامه علمی - ترویجی پژوهش‌های مهدوی

سال ششم، شماره ۲۱، تابستان ۱۳۹۶

نقش امام جواد علیه السلام در آماده‌سازی جامعه شیعی برای دوران غیبت

علی اصغر ثنائی^۱

مهدی نورمحمدی^۲

چکیده

یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های امامان شیعه، به ویژه امامان متاخر، آماده‌سازی جامعه شیعی برای ورود به دوره غیبت امام مهدی علیه السلام بود. شاید چنین به نظر رسد که این فعالیت برای امامانی که با سن کم و دوره کوتاه امامت مواجه بودند، دشوار بوده است. تحقیق پیش‌رو درصدد پاسخ به این پرسش اصلی است که نقش امام جواد علیه السلام در آماده‌سازی جامعه شیعی برای عصر غیبت حضرت قائم علیه السلام، به چه میزان و چگونه بوده است؟ نتیجه توصیف و تحلیل متون تاریخی و حدیثی، در بررسی فعالیت‌ها و آموزه‌های امام جواد علیه السلام، فرضیه نویسنده را تأیید می‌کند که جوادالائمه علیه السلام با وجود به امامت رسیدن در خردسالی و کوتاهی عمر شریف‌شان، نقش مهمی در ترسیم و تبیین درست زوایای مختلف غیبت حضرت مهدی علیه السلام و آماده کردن شیعیان برای آن دوران داشتند.

واژگان کلیدی

امام جواد علیه السلام، دوران غیبت، قائم علیه السلام، مهدی علیه السلام، جامعه شیعی.

۱. کارشناس ارشد تاریخ تشیع دانشگاه ادیان و مذاهب (نویسنده مسئول) (sanae1143@gmail.com).

۲. پژوهشگر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی و دانشجوی دکتری رشته تاریخ تشیع دانشگاه ادیان و مذاهب.

مقدمه

جامعه مسلمانان به ویژه شیعیان، از صدر اسلام، با پدیده مهدویت آشنا بودند. از این رو، پس از رحلت پیامبر ﷺ، هر از گاهی، عده‌ای بودند که خود را مهدی و دیگرانی بودند که فردی را قائم می‌پنداشتند. امامان شیعه که به خوبی با شخصیت قائم ﷺ آشنا بودند، بر خود واجب می‌دانستند که پیروان خود را با آموزه‌های راستین مهدویت آشنا سازند. این که مهدی کیست؟ چه زمانی ظهور می‌کند؟ چه کاری انجام خواهد داد و چه کسانی می‌توانند پیرو او باشند؟ اما آماده‌سازی جامعه شیعی برای رویارویی با عصر غیبت، به همین جا ختم نمی‌شود. این وظیفه‌ای بود که بر دوش امامان، به ویژه امامان متاخر سنگینی می‌کرد. آن‌چه خواهد آمد، تبیینی از اقدامات امام جواد ﷺ برای این آماده‌سازی است.

اهمیت این مسئله از آن روست که هنوز هم جامعه شیعی، در عصر غیبت به سر می‌برد و الگوبرداری از سیره امام جواد ﷺ برای آماده‌سازی جامعه شیعی در عصر غیبت، هنوز هم کارا خواهد بود.

در حوزه امام جواد ﷺ تحقیقات ارزشمندی صورت گرفته که هر یک به جای خود قابل تقدیر است. *مسند الامام الجواد ﷺ*؛ عزیزالله عطاردی قوچانی، *موسوعة الامام الجواد ﷺ*؛ ابوالقاسم خزعلی، *الحياة السياسية للامام الجواد ﷺ*؛ جعفر مرتضی‌عاملی و چندین کتاب دیگر درباره زندگی نامه امام جواد ﷺ و یکی دو کتاب دیگر درباره فعالیت‌های علمی، از جمله آثار ارزشمند این حوزه است ولی موارد فوق هیچ یک، به صورت تخصصی به موضوع «نقش امام جواد ﷺ در آماده‌سازی شیعیان در عصر غیبت» اشاره نکرده‌اند. این امر ضرورت این تحقیق را بیش از پیش نمایان می‌سازد.

هدفی که این تحقیق دنبال می‌کند، واکاوی فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی حضرت جواد ﷺ از منظر آماده‌سازی جامعه شیعی در دوره غیبت برای الگوبرداری جامعه کنونی شیعی است.

واکاوی مذکور بدون بسترشناسی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه معاصر جوادالائمه ﷺ میسر نیست.

بسترشناسی فرهنگی، سیاسی و اجتماعی عصر امام جواد ﷺ

پذیرش ولایت عهدی از سوی امام رضا ﷺ را باید سرآغاز شکل‌گیری وضعیت خاص سیاسی

برای تشیع نامید. این واقعه باعث تقویت جریان اعتقادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی تشیع در سطح گسترده‌ای شد. در واقع همین گسترش سبب خوف و وحشت مأمون گردید که در نهایت به شهادت امام رضا علیه السلام منجر شد.

با شهادت هشتمین امام شیعیان علی بن موسی الرضا علیه السلام در سال ۲۰۳ هجری قمری، امامت محمد بن علی ملقب به جواد الائمه علیه السلام در حالی که سن شریف‌شان به هشت سال می‌رسید، آغاز شد (صدوق، ۱۴۰۴: ج ۲، ۲۴۱).

۱. بستر سیاسی - اجتماعی

شهادت امام رضا علیه السلام و آسودگی خیال مأمون از سوی ایشان در عرصه سیاسی، سبب غفلت از وجود امام جواد علیه السلام نشد. مأمون پس از استقرار در بغداد به سال ۲۰۴ ق، متوجه آن امام بزرگوار گردید. لذا در نخستین اقدام، ایشان را به بغداد فراخواند (عاملی، ۱۴۰۵: ۶۵) و سپس در گام بعدی، دخترش ام‌الفضل را به عقد امام درآورد. از آن جا که مأمون می‌دانست، پس از علی بن موسی علیه السلام شیعیان، امامت فرزندش محمد علیه السلام را خواهند پذیرفت، این اقدام‌ها، با هدف کنترل امام جواد علیه السلام از نزدیک، نظارت بیشتر بر ارتباط ایشان با شیعیان، نزدیکی به دستگاه خلافت و در نهایت کم رنگ شدن مخالفت و مبارزه آن حضرت با حاکمیت، صورت گرفت. از سوی دیگر، مأمون با تظاهر به تکریم و دوستی با امام، اهداف مهم دیگری مانند نزدیکی به اهل بیت علیهم السلام و برائت از خون امام رضا علیه السلام را نیز دنبال می‌کرد.

پس از مأمون و در سال ۲۱۸ معتصم، زمام امور خلافت را به دست گرفت. او نیز همچون مأمون، امام جواد علیه السلام را به اجبار از مدینه به بغداد فراخوانده و بر شیوه سلف، امام را زیر نظر داشت. سیاست مراقبت دایمی از امام، نشان می‌دهد که خلیفگان عباسی، جایگاه و منزلت محمد بن علی علیه السلام را نزد مردم و به ویژه شیعیان باور داشته و همیشه احساس خطر می‌کردند. برای نمونه می‌توان به برخورد ارادتمندانه والی سجستان با نامه و فرستاده آن حضرت و حل مشکل ایشان اشاره کرد که گواه روشنی بر نفوذ امام حتی میان مخالفان است (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۵، ۱۱۱). از این رو معتصم از ناحیه امام احساس خطر کرده و تصمیم به قتل ایشان گرفت (نوبختی، ۱۳۵۵: ۱۳۳). بنا به برخی منابع متقدم، ام‌الفضل از سوی حکومت، مأمور این کار

۱. البته برخی منابع گزارش ملاقات امام جواد علیه السلام با مأمون را در سال ۲۱۵ هنگام عبور مأمون از تکریت برای جنگ با رومیان داده‌اند (طبری، بی تا: ج ۷، ۱۹۰) که بعید به نظر می‌رسد که مأمون برای ملاقات با امام جواد علیه السلام بیش از ۱۱ سال صبر کرده باشد.

شده و در تاریخ ۲۹ ذی‌قعدة سال ۲۲۰ امام جواد علیه‌السلام به شهادت رسید (ابن شهرآشوب، ۱۹۵۶: ج ۳، ۵۰۳).

۲. بستر علمی - فرهنگی

تلاش‌های علمی امام باقر و امام صادق علیه‌السلام سبب رونق فراوان فضای علمی در جهان اسلام شد. در این میان سهم شیعیان به لحاظ استفاده از منابع علمی معصومان علیهم‌السلام سهم قابل ملاحظه‌ای بود. در کنار گسترش علوم مختلف و رشد و ارتقای فکری مردم، جریان‌ات به وجود آمده در زمان امام رضا علیه‌السلام هم چون ولایت عهدی، علاقه شخصی مأمون به مباحث علمی و مناظرات ایشان نیز سبب ورود هر چه بیشتر شیعیان به مباحث جدید در عرصه‌های فکری و نظری و تمایل پررنگ‌تر آنان به مسائل مهم اجتماعی شده بود. امام محمد تقی علیه‌السلام وارث چنین فضای علمی و فرهنگی‌ای بود. ثبت روایت از سوی ۱۱۳ یا ۱۲۰ نفر از امام جواد علیه‌السلام (طوسی، ۱۳۷۳: ۳۹۷-۴۰۹) و وجود ۲۲۰ حدیث پیرامون مسائل مختلف با توجه به امامت در خردسالی و کوتاهی عمر شریف آن حضرت، نشان از فضای علمی به وجود آمده در آن دوره می‌باشد (عطاردی، ۱۳۸۸).

نشانه دیگر، ادامه جلسات مناظره در دوران ۱۷ ساله امامت جواد الائمه علیه‌السلام است. هر چند می‌توان برای برگزاری مناظرات گوناگون از سوی مأمون، دلایلی همچون خاموش کردن صدای اعتراض سران عباسی به دلیل ازدواج امام جواد علیه‌السلام با ام‌الفضل را حدس زد ولی در واقع هدف، شکست امام در مناظرات و در نهایت زیر سؤال بردن بهره‌گیری امام شیعیان از علم الهی بود. مأمون در فرمانی به یحیی بن اکثم، قاضی القضاة حکومت خود، به هدف خویش از برگزاری مناظرات علمی این‌گونه اشاره می‌کند:

پرسش و مسئله‌ای را بر ابوجعفر عرضه کن که او را محکوم و ساکت کنی (حرانی، ۱۴۰۴: ۳۳۵).

این مناظرات گرچه با آن هدف و به اقتضای شرایط فرهنگی جامعه اسلامی برگزار می‌شد ولی در نهایت اثبات امامت امام جواد علیه‌السلام را در پی داشت. برای نمونه در گزارشی، یحیی بن اکثم در حرم پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با امام برخورد کرد و مسائلی از ایشان پرسید. در پایان گفت:

می‌خواهم درباره مسئله‌ای از شما بپرسم ولی خجالت می‌کشم. امام فرمود: پیش از آن که تو بپرسی من خبر می‌دهم. تو می‌خواهی از امام (کنونی) بپرسی. گفت: به خدا سوگند همین است. فرمود: من همان امام هستم (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ۳۵۳).

تأسیس بیت‌الحکمه در سال ۲۱۵ در بغداد از سوی مأمون نیز از مهم‌ترین اتفاقات علمی و فرهنگی عصر امام جواد علیه السلام بود (مسعودی، ۱۴۰۴: ج ۳، ۴۵۵).

مقابله با فرقه‌های انحرافی در راستای تقویت باورهای مهدوی

وجود جریان‌های انحرافی عقیدتی در زمان همه امامان شیعه وجود داشت. شدت مواجهه آن بزرگواران بر اساس میزان آسیب آن اندیشه‌ها به اعتقادات مردم تنظیم می‌شد. از این رو حضرات معصومان در مقابل کوچک‌ترین انحرافات، سخت‌ترین مواضع را اتخاذ کرده و به روشنگری شیعیان می‌پرداختند. آن‌چه که بررسی مواجهه امام جواد علیه السلام با این فرقه‌ها را در این مقاله، ضروری می‌سازد، آسیبی است که آنان به باورهای مهدوی شیعیان می‌زدند.

در زمان امام جواد علیه السلام جریان‌های انحرافی درون دینی مانند زیدیه، اسماعیلیه و واقفیه از طرفی و جریان غلات نیز از طرفی دیگر، دست از فعالیت خود برنداشته و هر یک در صدد تبلیغ و ترویج عقاید انحرافی خود بودند. اگر چه پیدایش این گونه فرق، مربوط به دوران امامت امام جواد علیه السلام نبود ولی استمرار فعالیت آنان در دوره ایشان بود و تاریخ اندیشه‌ها نشان داده که یک اندیشه در طول زمان قوی‌تر از زمان پیدایش است. از این رو امام جواد علیه السلام کار دشواری پیش رو داشت.

تنها حُسنی که این دوران داشت، عدم پیدایش فرقه‌ای جدید و پایا بود. برخی محققان معاصر نیز این نکته را مورد تأیید قرار داده‌اند:

پس از امام هشتم تا امام دوازدهم که نزد اکثریت شیعه مهدی موعود است، انشعاب قابل توجهی به وجود نیامد و اگر وقایعی نیز در شکل انشعاب پیش آمده، چند روز بیش نپاییده و خود به خود منحل شده است، مانند اینکه جعفر فرزند امام دهم پس از رحلت برادر خود امام یازدهم، دعوی امامت کرد و گروهی به وی گرویدند اما پس از چند روزی متفرق شدند و جعفر نیز دعوی خود را تعقیب نکرد و همچنین اختلافات دیگری در میان رجال شیعه در مسائل علمی، کلامی و فقهی وجود دارد که آنها را انشعاب مذهبی نباید شمرد. (طباطبایی، ۱۳۸۵: ۶۵).

۱۳۵

بیشترین آسیب به پندارهای حوزه مهدویت را فرقه «واقفه» یا «واقفیه» وارد می‌کرد. آنان کسانی بودند که بر یک امام توقف می‌نمودند بدین معنا که آن امام را زنده دانسته و منتظر رجعت یا ظهور وی بوده و از این رو امامت امام بعدی را بر نمی‌تاییدند. پس «واقفیان»، منتظر امام مورد نظر خویش و مخالف با مهدویت مصطلح شیعیان اثناعشری بودند. پس از امامان

متعدد، پدیده «توقف بریک امام» خودنمایی کرده (ناصری، ۱۴۰۹: ج ۱، ۳۹-۵۵) ولی مشهورترین واقفیان، توقف‌کنندگان بر امام موسی بن جعفرند (نوبختی، ۱۳۵۵: ۸۵). از این رو امام جواد علیه السلام با منحرف‌ترین و سرسخت‌ترین فرقه‌های زمانه خویش که بیشترین آسیب را به اندیشه‌های مهدوی شیعیان اثنا عشری می‌زد، مواجه بودند.

انگیزه اصلی ترویج‌دهندگان و قائلین این جریان دنیاطلبی بوده، لذا با جعل روایات و سوءاستفاده از آن سبب انحراف عده‌ای از شیعیان پس از امام کاظم علیه السلام شدند. گروه انحرافی واقفیه با انگیزه‌های مادی و دنیاطلبی گروهی از بزرگان شیعه آغاز شد که تداوم امامت امام رضا علیه السلام را با منافع مادی خود در تضاد می‌دیدند. گزارش کثی از وضعیت دو تن از وکلای امام کاظم علیه السلام این موضوع را به خوبی ثابت می‌کند و آن این که نزد دو تن از وکلای امام کاظم علیه السلام بنام حیان سراج و شخصی دیگر حدود سی هزار دینار بود و با آن پول، خانه و غلام خریدند. وقتی خبر شهادت امام کاظم علیه السلام رسید آنان انکار نمودند و این آموزه را که «لا یموت لانه هو القائم» میان شیعیان رواج دادند (کثی، ۱۴۰۹: ج ۲، ۷۶۰).

از سوی دیگر، برخی این ادعا را به دلیل آن که انگیزه‌های مادی، از مهم‌ترین دلایل توقف واقفه بوده و این شرایط پس از هر امامی وجود نداشته، نپذیرفته‌اند (ناصری، ۱۴۰۹: ج ۱، ۶۰). آنان بر این باورند که وجود روایات زیاد از امامان قبل از امام کاظم علیه السلام در زمینه مهدویت و مسئله انتظار میان میراث‌ماندگار گذشتگان، دلیل مهم دیگری بر پیدایش واقفه است. تعبیر مهدی و قائم در آموزه‌ها و اعتقاد به آن برای عده‌ای می‌توانست زمینه انحراف را به وجود بیاورد. اگرچه توجه به این مسئله از ناحیه عده‌ای باورمندانه و صرفاً بر اساس یک اعتقاد قلبی به مسئله مهدویت بود ولی اسباب سوء استفاده را برای عده‌ای فرصت طلب ایجاد می‌نمود. برای نمونه یکی از افراد فرصت طلب که با استفاده از احساسات شیعیان در این خصوص به سوء استفاده پرداخت و اقدام به ایجاد فرقه مملوره^۱ کرد، فردی از غلات به نام محمدبن بشیر بود. او تا جائی پیش رفت که اعتقاد به حلول و تناسخ و مباح دانستن محرّمات را از عقاید این فرقه دانست (نوبختی، ۱۳۵۵: ۸۳-۸۴).

امام جواد علیه السلام با این جریان به شدت مقابله می‌کردند. تنویر افکار عمومی جامعه شیعه با تبیین وجوه انحرافی آنان، از جمله مهم‌ترین اقدامات امام در مقابله با این گونه فرقه‌های

۱. نام دیگری برای فرقه واقفه بوده است.

انحرافی بود.

زمانی که از امام جواد علیه السلام در خصوص نماز خواندن پشت سر این گروه سؤال شد، امام، شیعیان خود را از این کار نهی کردند (صدوق، ۱۴۱۳: ج ۱، ۳۷۹). اهمیت این منع، زمانی بهتر و بیشتر روشن می شود که بدانیم ائمه اطهار علیهم السلام در برخی موارد شیعیان را توصیه می کردند که برای حفظ یکپارچگی مسلمانان، پشت سر پیروان اهل سنت نماز بخوانند (صدوق، ۱۴۱۳: ج ۱، ۳۰۱ و ۳۸۲؛ کلینی، ۱۴۰۷: ج ۳، ۳۸۰ و ج ۲، ۲۱۹). امام جواد علیه السلام، پیروان این فرقه را به لحاظ فهم و اندیشه در نزد افکار عمومی شیعیان به چارپایان تشبیه نموده و می فرمودند:

هُم حَمِيرُ الشَّيْعَةِ؛

آنان درازگوشان شیعیانند.

سپس این آیه را تلاوت می کردند:

﴿إِنَّ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا﴾ (فرقان: ۴۴)؛

آنان همانند ستوران هستند، بلکه گمراه ترند (کشی، ۱۴۰۹: ج ۲، ۷۶۱).

امام جواد علیه السلام به صراحت جریان زبیدی و واقفیه را در ردیف ناصبیان قرار می داد و آنان را از مصادیق آیه شریفه:

﴿وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ﴾ (غاشیه: ۲-۳)؛

در آن روز، چهره هایی زبونند، که تلاش کرده، رنج [بیهوده] برده اند.

اعلام می کردند (کشی، ۱۴۰۹: ج ۲، ۷۶۱).

این گزارش ها نشان می دهد که در بین شیعیان مسئله مهدویت و انتظار مسئله ای ناآشنا نبوده و به ویژه پس از امام کاظم علیه السلام با وجود مشهورترین فرقه واقفه، مهدویت از حساسیت ویژه ای برخوردار شده است. امام جواد علیه السلام مبارزه با این فرقه و مشابهانش را در راستای آماده سازی شیعیان برای دوره غیبت حضرت قائم علیه السلام، در دستور کار خویش قرار داده بود. نکته آخر آن که گاهی در بیان امام جواد علیه السلام، از منکران حضرت قائم علیه السلام سخن به میان آمده که این فرق انحرافی می تواند یکی از مصادیق آن باشد. امام در این بیان فرمودند که منکران قائم علیه السلام، اعتقاد به او را به سخره می گیرند (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ۳۷۸).

تثبیت امامت امام خردسال، مقدمه پذیرش امامت حضرت قائم علیه السلام

اهمیت جایگاه امامت برای شیعیان به حدی است که پس از هر امامی برای شناخت امام

بعدی تلاش می‌نمودند. آنان باتوجه به معرفی امام قبل و آزمون امام بعدی در مواقع مورد نیاز به سراغ امام بعدی می‌رفتند. پس از شهادت امام رضا علیه السلام باتوجه به سن اندک امام جواد علیه السلام، شیعیان با مسئله‌ای مهم و البته جدید و بی‌سابقه روبرو شدند و آن پذیرش پیشوایی امت پیش از سن بلوغ و عدم سابقه چنین موضوعی در تاریخ تشیع بود که نوعی حیرت و سرگردانی را پدید آورده بود. دامنه این تحیر به بسیاری از شهرها نیز کشیده شد (طبری شیعی، ۱۴۱۳: ۳۸۸). شدت این تحیر به حدی بود که گروهی از شیعیان در منزل عبدالرحمان بن حجاج گرد آمده، ضجه و ناله سر دادند (ابن الوهاب، بی تا: ۱۱۹).

این در حالی است که برخی از اصحاب و شیعیان که با امام رضا علیه السلام مراوده داشتند، از زبان آن حضرت نام محمد را به عنوان امام بعدی شنیده بودند ولی آن چه تا آن زمان اتفاق نیفتاده بود، امامت در سن خردسالی بود؛ به گونه‌ای که این مسئله از ناحیه شیعیان یک چالش بزرگ و از سوی دشمنان و مخالفان دست‌مایه طعن شده بود.

طبیعی است چنین پدیده بی‌سابقه‌ای با حساسیت اهل بیت علیهم السلام از سویی و دستگاه خلافت از سوی دیگر، می‌تواند پیامدها و واکنش‌های بزرگ و جبران‌ناپذیری در پی داشته باشد. از این رو، امامان پیشین، به ویژه حضرت رضا علیه السلام سعی می‌کردند با بیانات گوناگون و ارائه شواهدی از قرآن، درباره رهبری پیامبران گذشته همچون حضرت عیسی و یحیی علیهم السلام در دوران خردسالی، افکار عمومی را برای پذیرش امامت امام جواد علیه السلام در آینده‌ای نزدیک آماده سازند (صدوق، ۱۴۰۴: ج ۲، ۲۱۶) ولی باتوجه به اعتقاد راسخ برخی از شیعیان به امامت جواد علیه السلام پس از امام رضا علیه السلام و استدلال قوی و منطقی امام جواد علیه السلام در این قضیه و پاسخ به سؤالات مطرح شده، شیعیان از حیرت و سرگردانی نجات یافته و امامت امام جواد علیه السلام را پذیرفتند.

وجود بحران «اندکی سن» امام و عبور از آن با پذیرش امامت حضرت جواد علیه السلام، سبب گردید که مسئله سن کم، برای همیشه نزد شیعیان حل شود؛ به گونه‌ای که این موضوع درباره امام هادی علیه السلام و سپس حضرت مهدی علیه السلام، حتی با وجود کمتر بودن سن قائم علیه السلام نسبت به امام جواد علیه السلام، مطرح نگردید و امامت این دو بزرگوار نیز به راحتی مورد پذیرش قرار گرفت. واضح است که پذیرش امامت حضرت قائم علیه السلام، مقدمه پذیرش غیبت آن حضرت محسوب می‌گردد. به عبارتی دیگر عبور امام جواد علیه السلام از بحران سن اندک، سبب گردید تا شیعیان درباره آغاز امامت و غیبت حضرت مهدی علیه السلام آمادگی فکری و روانی لازم را پیدا نمایند. پس اگر حل

بحران سن امامت امام جواد علیه السلام را یک مقدمه و آماده سازی برای غیبت حضرت مهدی علیه السلام عنوان کنیم، سخن به گرافه نگفته ایم.

تقویت سازمان وکالت، زمینه سازی نیابت خاص و عام

گسترش و پراکندگی جغرافیایی شیعیان در مناطق مختلف جهان اسلام، دوری مسافت و عدم دسترسی به امام به طور مستقیم، یکی از مشکلات در عصر حضور امامان علیهم السلام بود. از این رو تقریباً از زمان امام صادق علیه السلام و به صورت جدی از دوره امام کاظم علیه السلام شبکه ارتباطی وکالت بین امام با مناطق مختلف که کانون تجمع شیعیان بود شکل و در هر دوره تقویت می شد. ایجاد ارتباط میان شیعیان و امام شان، وظیفه اصلی این نهاد بود که در ابعاد علمی، مالی و... ظهور و بروز داشت (جباری، ۱۳۸۲).

بغداد، مدائن، مصر، کوفه و مناطق مختلفی از ایران مثل خراسان، قم، ری، طبرستان، سیستان، طالقان و اهواز از جمله مناطقی بودند که وکلای امام در آن جا حضور داشتند. چهره هایی مانند علی بن مهزیار (نجاشی، ۱۴۰۷: ۲۵۴)، خیران خادم (کشی، ۱۴۰۹: ۶۱۰-۶۱۱)، ابراهیم بن محمد همدانی (همو: ۶۰۸) و احمد بن محمد بن عیسی (حلی، ۱۴۱۱: ج ۱، ۵۱) از جمله افرادی بودند که وظیفه وکالت را از طرف امام جواد علیه السلام بر عهده داشتند.

سیاست امام جواد علیه السلام در مورد وکلا، تأکید بر جایگاه آنان و پیرنگ تر کردن هرچه بیشتر نقش آنان بوده است. به عنوان نمونه می توان به ابراهیم بن محمد همدانی اشاره کرد. امام به ایشان تأکید دارند که «در آن منطقه وکیلی جز تو ندارم و به دوستانمان در همدان نوشته ام که از تو حرف شنوی داشته باشند» (کشی، ۱۴۰۹: ۶۱۲).

لطفی که امام علیه السلام در نامه هایش به وکلایش داشت، در همین راستا قابل تبیین است. از جمله می توان به نامه امام به یکی از وکلای خود به نام ابراهیم بن محمد همدانی، اشاره کرد. در این نامه که در واقع رسید اخذ وجوهات است، امام جواد علیه السلام این گونه مرقوم فرمودند:

وجوه ارسالی به من رسید، خداوند از تو قبول فرموده و از شیعیان ما راضی باشد و آنان را در دنیا و آخرت در جوار ما قرار دهد (همو).

بدین صورت شیعیان از بلندی جایگاه آن وکیل نزد امام علیه السلام مطمئن شده و با طیب خاطر، زمام امور خویش را به دست آن وکیل می سپردند. نمونه دیگر پاسخ امام جواد علیه السلام به نامه علی بن مهزیار اهوازی است که چنین مورد لطف قرار گرفته است:

نامه‌ات رسید و مرادت را از آن چه نگاشته بودی فهمیدم و با این کار مرا غرق سرور نمودی. خداوند تو را شاد و مسرور فرماید. من از خداوندی که کفایت‌کننده امور بندگان و دافع بلاها و مکاید است، می‌خواهم که کید هر حيله‌گری را از تو دفع نماید؛ ان شاء الله (کشی، ۱۴۰۹: ۵۵۰).

تقویت سازمان وکالت علاوه بر رفع مشکلات ناشی از عدم دسترسی شیعیان به امام، نوعی آمادگی را برای شیعیان ایجاد می‌کرد تا آنان در برخورد با غیبت صغری و حتی غیبت کبری، منفعل نبوده و با توجه به تجربه تاریخی خود در این زمینه از نوعی پویایی و انسجام رفتاری برخوردار بوده و هیچ‌گاه عدم حضور ظاهری امام، مانع از حرکت در مسیر گفتمان اهل بیت علیهم‌السلام نگردد.

پرورش افکار عمومی درباره مهدویت

اهمیت مسئله مهدویت و ضرورت تبیین دقیق خط مشی انتظار برای شیعیان، با هدف جلوگیری و مقابله با فعالیت جریان‌ات انحرافی همچون واقفه و...، امام جواد علیه‌السلام را بر آن داشت تا نسبت به این مسئله اهتمامی ویژه داشته باشد. قسمت بزرگی از این اهتمام، در بخش «آگاهی بخشی عمومی» صرف شد. امام در این آگاهی بخشی به کار تبیین ابعاد گوناگون اطلاعات و معارف مهدوی پرداخت.

۱. تبیین مصداق قائم علیه‌السلام

مفهوم «قائم» از دوران نبوی، ذهن مسلمانان را به خویش مشغول داشته بود. از این رو، سؤالی که شیعیان، از بسیاری از امامان خود پرسیده بودند این بود که شما امام قائم هستید؟ یا امام قائم چه کسی است؟ امام جواد علیه‌السلام در پاسخ بدین سؤال چنین می‌فرمود:

هنگامی که فرزندم علی وفات یابد چراغ دیگری پس از او نمایان شود سپس [چراغ بعد از او] پنهان می‌گردد (نعمانی، ۱۳۹۷: ۱۸۶).

امیه بن علی القیس می‌گوید:

به ابو جعفر علیه‌السلام عرض کردم جانشین پس از شما کیست؟ فرمودند: فرزندم علی و دو پسر علی سپس مدتی سر را به زیر انداختند سپس سر برداشتند و فرمودند: در آتیه‌ای نزدیک حیرتی فرا می‌رسد (همو: ۱۸۵).

صقر بن ابی دُلف نیز از امام جواد علیه‌السلام نقل می‌کند که امام فرمودند:

امام و پیشوای بعد از من پسر علی است، امر او امر من و سخن او، سخن من و اطاعت از

او، اطاعت از من است و امام بعد از او، پسرش حسن است که امر او، امر پدرش و سخن او، سخن پدرش و اطاعت از او، پیروی از پدرش است. سپس سکوت کردند. عرض کردم ای فرزند رسول خدا، امام بعد از حسن کیست؟ امام جواد (ع) گریه شدیدی کردند و فرمودند: امام بعد از حسن پسرش بوده که قائم به حق منتظر است (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ۳۷۸).

جمله «امام مهدی (ع) سومین فرزندم است» (همو: ۳۷۷) نیز از جواد الائمه (ع) در همین رابطه نقل شده است. در روایتی دیگر، عبدالعظیم حسنی در ملاقاتی به امام جواد (ع) می‌گوید: امیدوارم شما قائم اهل بیت محمد (ص) باشید که زمین را پر از عدل و داد نمائید، هم‌چنان که آکنده از ظلم و جور شده باشد. ایشان ضمن رد تلویحی این مطلب، فرمودند: سوگند به کسی که محمد (ص) را به نبوت مبعوث فرمود و ما را به امامت مخصوص گردانید، اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی مانده باشد، خداوند آن روز را طولانی گرداند تا قائم در آن روز قیام کند و زمین را پر از عدل و داد نماید، هم‌چنان که آکنده از ظلم و جور شده باشد (همو).

سعی امام از این گونه روشنگری‌ها، تعیین مصداق دقیق حضرت مهدی (ع) است؛ ضمن این که امام تاکید دارد که آن حضرت از نسل امامان حسینی (ع) می‌باشد.

۲. تبیین چگونگی ولادت قائم (ع)

با توجه به دشمنی آشکار دستگاه خلافت با بروز هر گونه قدرت براندازنده، این سؤال برای شیعیان پدید می‌آمد که چگونه حاکمیت اجازه خواهد داد که امام زمان (ع) به دنیا آید و در این باره از امام جواد (ع) سؤال می‌کردند. ایشان در پاسخ این سؤال خیال شیعیان را آسوده کرده و فرمودند: ولادت او بر مردم مخفی است (همو: ۳۷۸).

۳. تبیین القاب حضرت مهدی (ع)

بنا بر گزارش‌های تاریخی، امام جواد (ع) در بیاناتشان، القاب «قائم» و «منتظر» را برای حضرت مهدی (ع) به کار می‌بردند. وقتی از ایشان توضیحی درباره مفهوم این دو اصطلاح خواسته شد، ابتدا در توضیح مفهوم «قائم» فرمودند:

۱۴۱ پس از آن که نامش از بین می‌رود و آنان که به امامت او قائل بودند، مرتد و از دین برگشته می‌شوند؛ قیام می‌کند (همو).

سپس در ادامه، به تبیین مفهوم «منتظر» پرداخته و فرمودند:

زیرا که که ایام غیبت او طولانی می‌شود و مدتش به درازا می‌انجامد و پاکان و برگزیدگان،

منتظر قیام و خروج او می‌گردند (همو).

یکی دیگر از القابی که امام جواد علیه السلام برای حضرت قائم علیه السلام به کار برده، «سراج مخفی» یعنی چراغ پنهان است. در روایتی، عبدالعظیم حسنی، از قول جواد الائمه علیه السلام نقل می‌کند که ایشان در مقام شمردن امامان پس از خویش فرمودند:

هنگامی که فرزندم علی درگذرد، چراغی پس از او ظاهر شود و سپس چراغی که پنهان می‌گردد (نعمانی، ۱۳۹۷: ۱۸۶).

روشن است که لقب «سراج» اشاره به نقش هدایت‌گری امام زمان علیه السلام و «مخفی» اشاره به غیبت آن حضرت دارد.

۴. تبیین دوره غیبت

نخستین مسئله‌ای که امام جواد علیه السلام می‌بایست درباره دوره غیبت به تبیین آن بپردازد، آن است که این دوره مربوط به کدام یک از امامان است و اولین گام در این رابطه، نفی این دوره نسبت به خود ایشان است. از این رو خطاب به اسماعیل بن مهران که نگران سفر امام جواد علیه السلام به بغداد بود، چنین می‌فرماید:

آن غیبتی که گمان می‌کنی در این سال نیست (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۲، ۱۰۸).

تکنیک دیگری که در این رابطه می‌توان به کار گرفت، گفتگو از حضرت قائم علیه السلام است به گونه‌ای که همگان متوجه شوند، که آن غیبت قائم علیه السلام، مربوط به امام جواد علیه السلام نیست. در این قسمت به کارگیری ضمائر سوم شخص غایب، جالب توجه است:

همانا برای او غیبتی است که روزهای آن زیاد و مدت آن طولانی شود. (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ۳۷۸).

۵. تبیین انتظار و اهمیت آن

از مهم‌ترین مسایل عصر غیبت، مسئله انتظار فرج است. امام جواد علیه السلام برای آگاه شدن جامعه شیعی نسبت به اهمیت مسئله انتظار، حکم به وجوب انتظار برای شیعیان داده و برترین اعمال آنان را انتظار فرج دانسته است (همو: ۳۷۷). از سوی دیگر، امام با جمله «افراد مخلص در غیبت امام مهدی علیه السلام انتظار آن حضرت را کشند» (همو: ۳۷۸). خلوص را شرط معنوی انتظار دانسته و شیعیان را به کسب آمادگی معنوی برای حضور در خیل منتظران، فرا می‌خواند.

۶. تبیین وقت ظهور

یکی از مسائلی که پیرو مسئله غیبت، بایستی تبیین گردد، مسئله وقت ظهور است. امام جواد علیه السلام در یک سیر منطقی، پس از آن که به مبارزه با فرق انحرافی، منکران و شکاکان پرداختند و پس از آن که اهمیت انتظار و درجه منتظران را برشمردند اینک بایستی مسئله وقت ظهور را واکاوی می کنند. چرا که فضای عصر غیبت مستعد سؤال از زمان ظهور است. در چنین فضایی دو دسته افراد ممکن است ظهور نمایند. افراد سودجویی که در پی تعیین وقت ظهور در پی منافع خویش اند و افرادی که از سر نادانی به تعیین وقت پرداخته و با محقق نشدن وعده هایشان، سبب ناامیدی شیعیان و سستی عقاید آنان می شوند. بهترین مبارزه با چنین افرادی، شناساندن چهره واقعی آنان است. از این رو امام جواد علیه السلام فرمودند: «کسانی که وقت (ظهور) را مشخص کنند، دروغگویند» (همو) جملات دیگری همچون «اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی مانده باشد خداوند آن روز را طولانی گرداند تا در آن قیام کند» (همو: ۳۷۷) نیز به صورت تلویحی اشاره به این مطلب دارد که ظهور امری ناگهانی بوده و زمانش مشخص نیست و در نتیجه هر کس تعیین وقت کند، ادعای گزافی نموده است. جمله «خدای تعالی امر او را در یک شب اصلاح نماید» (همو) نیز در همین راستاست. یک دسته دیگر نیز دچار تعیین وقت و آسیب هایی از این دست می شوند و آنان کسانی هستند که در امر ظهور عجله می کنند. در بیان جواد الائمه علیهم السلام اینان نیز هلاک خواهند شد (همو: ۳۷۸).

۷. تبیین قدرت و اعجاز قائم علیه السلام

امام به منظور آرامش فکری و اطمینان قلبی شیعیان از توان حضرت قائم علیه السلام در مواجهه با دشمنان با توجه به شرایط جهانی حاکم در عصر ظهور که جهانی پراز ظلم و جور ترسیم شده است، توانائی حضرت مهدی علیه السلام را برای غلبه بر ظلم و پر کردن عالم از عدل و داد، این چنین به تصویر می کشد:

امام قائمی که خداوند توسط او زمین را از آلودگی کفار و منکرین پاک و مطهر می گرداند و از عدل و داد پر می کند کسی است که ... در پهنه زمین هر کجا اراده کند فوراً می رود و تمام مشکلات در برابر او آسان و ناچیز است (همو: ۳۷۷).

این که شیعیان نسبت به قدرت امام خویش آگاهی داشته باشند، امید آنان را صدچندان کرده و آنان را نسبت به صحت راهی که در پیش گرفته اند، مطمئن می سازد. بدین سان سختی های دوره غیبت برای آنان آسان تر می گردد.

۸. تبیین جایگاه شگاکان

در سطرهای گذشته، به مبارزه امام جواد علیه السلام با فرق انحرافی، پرداختیم. دسته دیگری از شیعیان هستند که به صورت رسمی جزء واقفه و... نیستند اما عملکرد آنان همچون آن فرق، به یکپارچگی جامعه منتظر، آسیب می‌رساند. آنان کسانی هستند که در وجود، غیبت، ظهور و یا دیگر ابعاد قائم علیه السلام تشکیک می‌کنند. امام جواد علیه السلام در برخی از روایات، با ذکر «شگاکان انکارش می‌کنند» (همو: ۳۷۸) جامعه شیعی را آماده رویارویی با آنان می‌کند. آموزه‌های دیگر جواد الائمه علیهم السلام که دوره غیبت را «دوره حیرت» می‌نامد (نعمانی، ۱۳۹۷: ۱۸۵) نیز در راستای «افزایش آمادگی» قابل تفسیر است. در روایتی دیگر، ایشان با جمله «وای بر کسی که شک کند» (همو: ۱۸۶) شیعیان را از این که دچار شک شوند، بر حذر می‌دارند.

۹. تبیین علائم پیش از ظهور

امام در راستای تبیین مسئله غیبت و علائم و مشخصه‌های آن در چندین روایت نسبت به مسئله علائم ظهور با هدف ارتقای دانش شیعیان، مواردی را بیان داشته است. شاید این نوع روشنگری‌ها به خاطر جلوگیری از سوءاستفاده‌های سودجویان است که هر نوع اتفاقی را در جامعه حمل بر علائم پیش از ظهور کرده و اهداف خود را دنبال کنند. مسعودی از حمیری نقل می‌کند که گفت:

آن چه شما به آن امید دارید (ظهور قائم) اتفاق نمی‌افتد، مگر این که سفیانی بر فراز کرسی‌ها و منابر سخنرانی کند. چون چنین شود قائم آل محمد علیهم السلام از جانب حجاز در رسد (مسعودی، ۱۴۲۶: ۲۵۷).

تجمع یاران حضرت قائم علیه السلام و به حد نساب رسیدن آنان نیز مسئله‌ای است که در آموزه‌های امام جواد علیه السلام بدان اشاره شده است و می‌تواند از علائم ظهور حضرت قائم علیه السلام باشد (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ۳۷۸). بدین سان شیعیان می‌دانند که تا آنان مراتب کمال را طی نکنند و به خیل یاران حضرت نپیوندند، ایشان یار کافی برای ظهور نخواهند داشت و امر ظهور محقق نخواهد شد.

۱۰. تبیین معارف مهدوی به شیوه غیرمستقیم

پرورش افکار عمومی درباره مهدویت از سوی امام جواد علیه السلام، تنها به تبیین مستقیم و صریح آن حضرت خلاصه نمی‌شود. بلکه گزارش‌های تاریخی، نشان از آن دارد که امام جواد علیه السلام

مسئله مهدویت را از شیوه‌های غیرمستقیم، مانند دعا و مناجات نیز پیگیری می‌نمودند. بیان این مفاهیم در قالب دعا و مناجات سبب می‌گردد که مفاهیم در بستری از عشق و عاطفه به قلب و روح شنونده نفوذ کرده و تأثیر آن را دوچندان نماید. در بخشی از دعای طولانی قنوت نماز امام جواد علیه السلام، پرورش افکار عمومی در حوزه مهدویت با چنین عباراتی صورت می‌پذیرد:

خداوند آن گروهی را که ایمان آوردند، یاری و تأیید فرما تا بر دشمنان و دشمنان پیروز شوند و آنان را به حق و حقیقت فراخوانند و دنباله‌رو امام منتظری باشند که برای برقراری عدل و داد قیام می‌کند (ابن طاووس، ۱۴۱۱: ۶۰).
امام در این دعا ضمن اشاره به امام منتظر پیروی از آن حضرت را حقیقت دانسته و به آن ارزش می‌دهد. ضمن این که هدف غائی قیام نهائی را برقراری عدل و داد می‌داند. در بیان دیگری که به عنوان تعقیب نماز از جواد الائمه علیهم السلام نقل شده است، وظیفه شیعیان این چنین بیان شده است:

خدا یا! ولی و دوست خودت (نام مبارک امام دوازدهم برده می‌شود) را در همه حال و در هر جهت از پشت سر و از طرف راست، و از طرف چپ و از بالای سر و از زیر پا حفظ فرما، و زندگی بس طولانی به او عنایت فرما و او را قیام‌کننده به امرت و یاور دینت قرار بده و آن چه دوست دارد و چشمش به آن روشن می‌گردد به او بنمایان و نیز در مورد خود و فرزندان و خاندان و اموال و شیعیان و دشمنش نیز این چنین عمل کن، و به دشمنانش از او چیزی را نشان بده که از آن می‌ترسند و به او دربارہ ایشان آن چیزی را نشان بده که دوست دارد، چشمش روشن می‌گرداند و سینه‌های ما و سینه‌های گروه مؤمنان را به واسطه او شفا عنایت فرما (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۲، ۵۴۸).

این گونه بیانات در قالب راز و نیاز غیر از انتقال معارف، نوعی احساس و وابستگی درونی و هم‌چنین شور را به مخاطب منتقل نموده و جامعه را بی‌صبرانه منتظر حضرت قائم علیه السلام می‌نماید.

نتیجه‌گیری

آن چه گذشت، توصیف اقدامات امام جواد علیه السلام برای آماده‌سازی جامعه شیعی در مواجهه با عصر غیبت بود. جامعه مسلمانان به ویژه شیعیان، از صدر اسلام با مفهوم «مهدی» یا «قائم» آشنا بودند. این آشنایی از سویی منشأ نقاط قوت و از دیگر سو، منشأ آسیب‌هایی چند بود.

نقاط قوت این آگاهی مجال دیگری می‌طلبد ولی از جمله آسیب‌ها می‌توان به ترس از آینده، سرگردانی هنگام بروز حادثه، سودجویی حاکمان قدرت طلب و افراد فرصت طلب و... اشاره کرد. از آن‌جا که شیعیان، آموزه‌های خویش را در همه ابعاد از امامان خویش فرامی‌گرفتند، در این حوزه نیز چشم به سوی منشأ هدایت خویش داشتند. هر یک از امامان علیهم‌السلام به نحوی وظیفه خویش را در راستای آماده‌سازی جامعه شیعی برای دوره غیبت، انجام دادند ولی هر چه به دوره امامان متأخر، نزدیک‌تر می‌شویم، این وظیفه، مهم‌تر می‌شود. امام جواد علیه‌السلام نیز از آن دسته از امامان متأخری بود که وظیفه خطیر خویش را برای آماده‌سازی شیعیان برای رویایی با غیبت حضرت قائم علیه‌السلام، به بهترین شکل ممکن به انجام رساند.

جوادالائمه علیه‌السلام در جامعه‌ای زیست می‌نمود که به لحاظ سیاسی، امام شیعیان، تحت نظارت شدید حاکمیت بود و از نظر فرهنگی، فضای جولان افکار و عقاید انحرافی به بهترین شکل ممکن فراهم بود، از این رو یکی از اقدامات حضرت، مقابله با جریان‌های انحرافی بود به گونه‌ای که با حاکمیت نیز دچار چالش نشود. در ادامه همین مباحث فرهنگی، امام، امامت خویش را که نخستین امامت خردسال شیعی بود، به اثبات رساند که همین امر خود مقدمه‌ای برای پذیرش امامت حضرت قائم علیه‌السلام در خردسالی بود. از دیگر اقدامات جوادالائمه علیه‌السلام برای آماده‌سازی جامعه شیعی، مدیریت و تقویت سازمان وکالت بود. همین سازمان در دوره غیبت صغری نقشی اساسی در هدایت جامعه شیعی داشت. حوزه بعدی اقدامات حضرت جواد علیه‌السلام، سلسله معارفی بود که ایشان برای پرورش افکار عمومی در حوزه مهدویت بیان می‌داشتند. این سلسله معارف، به صورتی روشمند، مباحث اصولی و ضروری مهدویت را هدف گذاری کرده بود. تعیین مصداق قائم علیه‌السلام، چگونگی ولادت ایشان، مفهوم القاب حضرت مهدی علیه‌السلام، جایگاه شگاکان، تبیین دوره غیبت و انتظار، میزان قدرت حضرت مهدی علیه‌السلام و برخی مباحث دیگر از جمله مسایلی بود که حضرت جواد علیه‌السلام برای بالابردن سطح معارف مهدوی شیعیان انتخاب کرده بود. امام محمدتقی علیه‌السلام این معارف را به دو شیوه مستقیم و غیرمستقیم بیان می‌فرمودند. در شیوه غیرمستقیم، حضرت از قالب دعا و مناجات که قدرت نفوذ بیشتری دارد، استفاده می‌نمود.

منابع

- ابن الوهاب، حسین بن عبدالوهاب، *عیون المعجزات*، قم، مكتبة الداوری، بی تا
- ابن شهر آشوب، *مناقب آل ابی طالب*، نجف الاشرف، مطبعة الحیدریة، ۱۹۵۶م
- ابن طاووس، علی بن موسی، *مهج الدعوات و منهج العبادات*، مصحح ابوطالب کرمانی، قم، دارالذخائر، ۱۴۱۱ق
- بحرانی، ابن میثم، *النجاة فی القيامة فی تحقیق امر الامامة*، قم، اول، مجمع الفكر الاسلامی، ۱۴۱۷ق
- جباري، محمدرضا، *سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمة علیهم السلام*، قم، مؤسسه آموزش پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۲ش
- حرانی، حسن بن علی ابن شعبه، *تحف العقول*، مصحح علی اکبر غفاری، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق
- حلّی، حسن بن یوسف، *رجال العلامة الحلّی*، قم، دارالذخائر، ۱۴۱۱ق
- خزاز رازی، علی بن محمد، *کفایة الاثر فی النص علی الائمة الاثنی عشر*، مصحح، عبداللطیف حسینی کوه کمری، قم، بیدار، ۱۴۰۱ق
- خلیفه بن خیاط العصفری، *تاریخ خلیفه بن خیاط*، محقق سهیل زکار، بیروت، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، بی تا
- صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، *عیون اخبار الرضا علیهم السلام*، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۴ق
- _____، *من لایحضره الفقیه*، مصحح علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ق
- _____، *کمال الدین و تمام النعمة*، مصحح علی اکبر غفاری، تهران، اسلامیة، ۱۳۹۵ق
- طباطبایی، محمدحسین، *شیعه در اسلام*، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۸۵ش
- طبری شیعی، محمد بن جریر، *دلائل الامامة*، قم، اول، مؤسسه البعثه، ۱۴۱۳ق
- طبری، محمد بن جریر، *تاریخ الطبری*، تحقیق: مراجعة و تصحیح و ضبط: نخبة من العلماء الأجلاء، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، بی تا

- طوسی، محمد بن حسن، رجال الطوسی، محقق جواد قیومی اصفهانی، قم، مؤسسه نشر الاسلامی التابعه لجامعه المدرسين بقم المقدسه، ۱۳۷۳
- عاملی، سید جعفر مرتضی، الحیاة السیاسیة للإمام الجواد علیه السلام، بیروت، اول، مرکز الاسلامی للدراسات، ۱۴۰۵ق
- عطاردی، عزیز الله، مسند الامام الجواد ابو جعفر محمد بن علی الرضا، تهران، عطاردی، ۱۳۸۸
- کشی، محمد بن عمر، اختیار معرفة الرجال (رجال الکشی)، محقق، محمد بن حسن طوسی، مشهد، نشر دانشگاه مشهد، ۱۴۰۹ق
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، مصحح علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق
- مسعودی، علی بن حسین، اثبات الوصیة، قم، انصاریان، ۱۴۲۶ق
- مسعودی، مروج الذهب و معادن الجوهر، قم، دوم، دارالهجره، ۱۴۰۴ق
- ناصری، ریاض محمد حبیب، الواقفیه دراسة تحليلیة، مشهد، المؤتمر العالمی للإمام الرضا علیه السلام، ۱۴۰۹ق.
- نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۷ق
- نعمانی، محمد بن ابراهیم ابن ابی زینب، الغیبة، محقق علی اکبر غفاری، تهران، نشر صدوق، ۱۳۹۷ق
- نوبختی، ابی محمد حسن بن موسی، فرق الشیعة، مصحح محمد صادق آل بحر العلوم، نجف، مطبعة الحیدریه، ۱۳۵۵ق